

حادثه‌ها

انفجار «مین» در قصر شیرین قربانی گرفت

● ایرنا: معاون سیاسی و اجتماعی فرماندار قصرشیرین گفت: انفجار یک‌قبضه مین به‌جامانده از دوران جنگ‌تحمیلی در منطقه تنگه‌حمام حوالی پاسگاه مرزی دارخور از توابع بخش مرکزی این شهرستان، یک‌گشته برجا گذاشت. نعمت‌الله نازپوروده در این‌باره توضیح داد: در جریان این حادثه یکی از عشایر ایل کلهر به‌نام جلال بهرام‌زاده، ۲۴ساله، حین تعلیف احشام با مین برخورد کرد و بر اثر شدت جراحات وارده، در دم فوت شد. وی اظهار کرد: در جریان این انفجار، همچنین هفت‌راس از دام‌های این فرد تلف شدند. نازپوروده گفت: از ابتدای امسال تاکنون ۱۹ نفر در اثر انفجار مین و مهمات به‌جامانده از جنگ‌تحمیلی، در این شهرستان مجروح و کشته شده‌اند، ضمن‌اینکه درهمین‌مدت، انفجار مین‌های بازمانده از جنگ، باعث تلف‌شدن چندراس دام و واردشدن خسارت به ماشین‌های کشاورزی شد. وی از ساکنان منطقه و مسافران و میهمانان نوروزی خواست به‌محض مشاهده هرگونه مواد منفجره، مراتب را به نیروهای پاکسازی مرکز مین‌زدایی، فرمانداری قصرشیرین یا به شماره تلفن ۱۱۱۰ اطلاع دهند و از دست‌زدن، جابه‌جایی و انتقال هرگونه اشیای مشکوک خودداری کنند.

اعتراف به ۳۴ فقره سرقت طلا و جواهر

● شرق: سارق حرفه‌ای به ۳۴ فقره سرقت طلا و جواهر به ارزش یک‌میلیارد و ۵۰۰میلیون‌ریال اعتراف کرد. سرپرست فرماندهی انتظامی پاکدشت با اعلام این خبر افزود: در ماه‌های اخیر گزارش‌هایی درمورد سرقت از منزل به پلیس آگاهی اعلام و در تحقیقات کارآگاهان مشخص شد شیوه و شرکد بیشتر سرقت‌ها یکسان است و سارق فقط طلا و جواهر را به سرقت برده است. سرهنگ «سلمان آدینه‌وند» افزود: کارآگاهان در جریان تحقیقات سرچنخ‌هایی به‌دست آوردند و متهم را شناسایی و دستگیر کردند. وی ارزش ریالی اموال مسروقه را بیش از یک‌میلیارد و ۵۰۰میلیون ریال برآورد و اظهار کرد: متهم در بازجویی‌های فنی و پلیسی به ۳۴ فقره سرقت طلا و جواهر از منازل پاکدشت اعتراف کرد.

شرق: مردی که ۱۰سال قبل در جریان سرقتی مرکبار دست به جنایت زده و فردی دیگر را به‌عنوان قاتل معرفی کرده بود سرانجام به‌دلیل عذاب‌وجدان حقیقت را فاش و صحنه جرم را بازسازی کرد. مردی میانسال در روزهای پایانی شهریور سال۸۳ به پلیس آگاهی تهران مراجعه کرد و خبر داد پسرش به نام صابر مفقود شده است. این مرد توضیح داد صابر با خودرو پیکانش در یک آژانس کار می‌کرد. کارآگاهان بعد از شنیدن اظهارات این مرد مشخصات صابر و خودرو او را پرسیدند و تلاش برای یافتن ردی از پسر جوان را آغاز کردند. این کوشش‌ها نتیجه‌ای نداشت تا اینکه چندی بعد جسد پسرِ جوان در دره‌ای در جاده جاجروید پیدا و به پزشکی‌قانونی منتقل شد. معاینه‌های اولیه حکایت از آن داشت که مقتول ناشناس با ضربات چاقو به قتل رسیده است. شباهت مقتول با صابر سبب شد پلیس پدر این جوان را روانه پزشکی قانونی کند. پدر صابر به محض دیدن پیکر بی‌جان فرزندش، او را شناخت. پس از آن تحقیقات وارد مرحله‌ای تازه شد و کارآگاهان درصدد شناسایی و دستگیری عامل یا عاملان جنایت برآمدند اما هیچ سرخنی در این خصوص وجود نداشت تا اینکه پیکان مقتول به صورت رهاشده در اسلامشهر پیدا شد. از آن به بعد هیچ پیشرتی در تحقیقات ایجاد نشد تا اینکه بعد از گذشت پنج‌سال از وقوع جنایت فردی با مراجعه به پلیس، خبری تازه از این پرونده داد. او گفت: «یکی از دوستانم به نام کیوان به من گفته همراه دو دوستش جوانی به نام صابر را که راننده آژانس بود به قتل رساندند و خودرو او را سرقت کردند».

گفته‌های این فرد سبب شد ماموران کیوان را بازداشت کنند. او وقتی تحت بازجویی قرار گرفت، گفت: «من و دو دوستم به نام‌های رضا و یاسر تصمیم گرفتیم سرقت انجام دهیم، به همین دلیل روز حادثه پیکان صابر را به‌صورت دربست کرایه کردیم و بعد از رسیدن به محلی خلوت

کارمند اخراجی که نقشه سرقت مسلحانه از شرکت خصوصی را طراحی و اجرا کرده بود، همراه دوهم‌دستش دستگیر شد. این مرد که مهران نام دارد بعد از طراحی نقشه سرقت مسلحانه موضوع را با برادرش و دونفر دیگر درمیان گذاشت و آنها بعد از تهیه کلاشینکف صبح روز شنبه هفته جاری به شرکت خصوصی‌ای که مهران از آنجا اخراج شده بود، رفتند. یکی از اعضای باند، بیرون شرکت در خودرو منتظر همدستانش ماند، سپس سه‌مرد در حالی وارد شرکت شدند که سردسته گروه لباس زنانه به تن داشت. آنها بعد از ورود به شرکت با طرح ادعاهای ناموسی جو را مشتج کردند و سپس مهران سلاح را از زیر مانتو بیرون آورد و تیر هوایی شلیک کرد. در ادامه دوسارق دیگر دست‌و پای کارکنان شرکت را بستند و آنها را در اتاقی محبوس کردند. کارمندان که به‌شدت ترسیده بودند نتوانستند هیچ مقاومتی از خود نشان دهند و سارقان با استفاده از فرصت به‌وجود آمده به جست‌وجو در شرکت پرداختند و بعد از پیداکردن چندفقره چک آنها را به همدستانشان که بیرون ساختمان منتظر بود دادند تا برای نقدکردن به بانک ببرند.

در همین میان یکی از کارمندان شرکت از غفلت مهاجمان استفاده کرد و توانست با پلیس تماس بگیرد. ماموران وقتی به محل اعلام‌شده رسیدند، مشاهده کردند فردی با لباس زنانه در حال پرسه‌زدن مقابل شرکت است و سلاحی را نیز زیر مانتو پنهان کرده است. ماموران نتوانستند این فرد را

چگونه رتبه‌ی ۱ کنکور شدم

می دهند بلکه اونایی اند که کارها را متفاوت

انجام می دهند. توجه کنید! تمام داوطلبان کنکور بر نامه ریزی می کنند، تمام داوطلبان کنکور تست می زنند، آزمون آزمایشی شرکت می کنند؛ پس چرا یک داوطلب رتبه تک رقمی می آورد و یک داوطلب بالای صد هزار می شود؟! پس بچه های عزیز شما باید راه و روش درست درس خواندن را بلد باشید. در مرحله ی اول ما باید بدانیم که روش های صحیح مطالعه و تست زدن چیه و در مرحله ی دوم باید بدانیم که کدام یک از این روشها به درد من می خوره. آره عزیزان این مهمه. من باید بدونم از روش های صحیح تست زدن، کدام روش به درد من می خوره. اجازه بدید خودمونی تر بگم. من با چه روشی تست بزنم که باز ده بیشتری داشته باشم.

موفقیت تصادفی نیست. وقتی یک نفر رتبه ی تک رقمی می آورد همین طوری این رتبه را کسب نکرده. در سسته خیلی تلاش کرده اما فقط تلاش هم مهم نیست. داوطلبان عزیزم خیلی از داوطلبان کنکور ساعت مطالعه بالایی دارند، معدل هاشون بالای ۱۸ و ۱۹ می باشد اما متأسفانه توی کنکور نتیجه قابل قبولی نمی گیرند. این نشان می دهد که مقوله کنکور کاملاً متفاوت از امتحانات مدرسه می باشد. داوطلبی می تواند رتبه برتر کنکور شود که این ۴ ویژگی را داشته باشد: ۱) توکل به خدا. حقیقتاً با توکل

کردن به خدایی که قدرتش بی نهایت است، ایمان و نیرویی عظیم در سا به وجود می آید که قادریم تمام مشکلات و ناامیدی ها را پشت سر بگذاریم. ۲) برنامه ریزی: منظور از برنامه ریزی، برنامه ریزی نیست نمی شود برنامه ی هر روز را همان روز نوشت. شما باید تحت نظر یک مشاور مجرب و موفق قرار گیرید تا یک برنامه ریزی اصولی و منطقی و واقع بینانه واسه شما انجام

دکتر محمود اکبری-استاد دانشگاه-رتبه یک کنکور دکتری



دهد تا قابل اجرا باشد. آره عزیزان، قابل اجرا بودن یک برنامه خیلی مهم است. خیلی ها برنامه ریزی می کنند اما متأسفانه بیشتر از یک هفته نمی توانند طبق برنامه خود پیش بروند. ۳) منابع: جهت موفقیت در کنکور داشتن یک منبع خوب واقعاً حیاتی است. بعضی از داوطلبان کنکور متأسفانه منابعی را مورد مطالعه قرار می دهند که نه تنها واسشون مفید نیست بلکه زمان آنها را هم هدر می دهد. منابع باید استاندارد باشد تا بتواند باعث پیشرفت داوطلب شود. به لطف خداوند بزرگ و همت استاد حسین احمدی در مجموعه ما، لوح های فشرده و کتاب و جزواتی تهیه و تدوین شده است که شمار ادر تمام مباحث درسی قدرتمند می کند.

و اما مرحله چهارم: ۴) تلاش تلاش تلاش. تمام داوطلبان برتر کنکور به صورت قاطع می گویند، تلاش شون بر هوش و استعداد آنها اولویت داشته است.

اما جمله ی پایانی، داوطلب عزیزم همیشه و حتما بهترین مشاور و برنامه ریز را انتخاب کنید که گزینه مد نظر بنده استاد حسین احمدی می باشد. سر تون سلامت و دلتون برقرار. ۰۹۱۲۱۹۶۵۷۰۲

برای مشاوره و برنامه ریزی تحصیلی با دکتر محمود اکبری با شماره همراه

۰۹۰۹۰۶۶۴۰۲۱ و یا به سامانه ۰۹۶۵۶۰۰۹۱۲۱۰۰ تماس بگیرید

حوادث

اعتراف به قتل بعد از ۱۰سال به دلیل عذاب وجدان



با چاقو راننده را تهدید و پول هایش را به زور از او گرفتیم، قصد داشتیم فرار کنیم که ناگهان یاسر راننده را شناخت و گفت او بچه محل اش است. از آنجا که احتمال داشت صابر از ما شکایت کند و دستگیر شویم به این نتیجه رسیدیم که باید او را به قتل برسانیم به همین دلیل صابر را به زور به صندلی عقب کشانیدیم، از مغازه‌ای طناب خریدیم، دست‌و‌پای او را بستیم و سپس به سمت خارج از شهر حرکت کردیم، وقتی به محلی خلوت در جاده جاجروید رسیدیم رضا راننده را به دره‌ای برد و به قتل رساند.» کارآگاهان بعد از اطلاع از جزئیات قتل برای دستگیری دو متهم دیگر دست به کار شدند و ابتدا یاسر را بازداشت کردند. او نیز ادعای کیوان را تایید کرد و گفت: «چند روز بعد از قتل از ترس دستگیری،

کارمند اخراجی، طراح نقشه سرقت مسلحانه

در عملیاتی غافلگیرانه خلع سلاح و بازداشت کردند. سپس یکی دیگر از متهمان که از شرکت بیرون آمده بود و قصد داشت با پای پیاده فرار کند به دام افتاد اما مشخص شد سومین سارق پیش از حضور پلیس از آنجا گریخته است. ماموران در ادامه وارد شرکت شدند و کارکنان را آزاد کردند. تحقیقات هنوز در مراحل ابتدایی قرار داشت که از بانک با مدیر شرکت تماس گرفته و گفته شد فردی چهارفقره از چک‌های شرکت به مبلغ ۱۵میلیون تومان را به بانک آورده و قصد دارد این مبلغ را وصول کند. ماموران بعد از اطلاع از موضوع آموزش‌های لازم را به رئیس بانک ارایه دادند و از او خواستند آورنده چک را معطل کند تا آنها خودشان را برساندند به این ترتیب عضو دیگر این باند نیز به دام

خودرو مقتول را در اسلامشهر رها کردیم.» تلاش‌های پلیس برای بازداشت متهم اصلی پرونده ثمری نداشت و ردپایی از رضا به دست نیامد، به همین دلیل کیفرخواست پرونده صادر و به دادگاه کیفری استان تهران فرستاده شد. در این کیفرخواست رضا به‌عنوان مباشر قتل معرفی شده و قرار بود به‌صورت غیابی محاکمه شود، همچنین نماینده دادستان برای دو متهم دیگر به اتهام معاونت در قتل درخواست مجازات کرده بود. روز محاکمه هنگامی که کیفرخواست خوانده شد و اولیای دم نیز شکایت خود را مطرح کردند اتفاقی غیرمنتظره افتاد. کیوان وقتی در جایگاه ایستاد، گفت قتل را او انجام داده است. این متهم توضیح داد: «از ۱۰سال پیش تاکنون به‌شدت عذاب وجدان دارم و شب‌ها خواب مقتول را می‌بینم به همین دلیل وقتی در زندان بودم تصمیم گرفتم روز محاکمه حقیقت را بگویم تا بلکه به آرامش برسم. قاتل اصلی من هستم. روز حادثه بعد از اینکه دست و پای صابر را بستیم رضا با چاقو ضربه‌ای به او زد، اما باعث مرگ آن جوان نشد. این من بودم که صابر را به دره بردم و با ضربات چاقو به قتل رساندم. سپس هر سه فرار کردیم و چند روز بعد خودرو مقتول را در خیابانی در اسلامشهر گذاشتیم.» متهم ادامه داد: «چون رضا فراری بود و کسی از محل اختفایش خبری نداشت من و یاسر تصمیم گرفتیم قتل را کردن او ببندازیم و خودمان را نجات بدهیم، به همین دلیل ادعاهایی مشابه را مطرح کردیم اما عذاب وجدان رهایم نمی‌کند».

قضات بعد از شنیدن این اعترافات ختم جلسه را اعلام کردند و پرونده را به دادسرا فرستادند تا کیفرخواست تازه‌ای صادر شود، به این ترتیب تحقیقات مقدماتی بار دیگر شروع شد و متهم اصلی ۱۰سال بعد از وقوع قتل به بازسازی صحنه جنایت پرداخت. نابراین گزارش، جلسه رسیدگی به این پرونده به‌زودی در دادگاه کیفری استان تهران برگزار خواهد شد.

افتاد. سرهنگ باقری‌شاد، سرکلانتر یازدهم پلیس پایتخت درباره این پرونده به باشگاه خبرنگاران گفت: متهمان ۶۰کسانت موادمخدر مشکوک به شیشه و دوعدد پایپ کشف و یک‌پوکه نیز داخل شرکت کشف شد. بنابر این گزارش سه‌متهم بعد از دستگیری در اختیار پلیس آگاهی قرار گرفتند و در بازجویی‌ها به جرم خود اعتراف کردند. مهران گفت: «چون مدتی در این شرکت کار می‌کردم از موقعیت آن به‌خوبی مطلع بودم به همین دلیل نقشه سرقت را به‌سادگی طراحی کردم و فکر می‌کردم در اجرای آن مشکلی پیش نخواهد آمد.» متهمان درحال‌حاضر در بازداشت به‌سر می‌برند و پلیس در تلاش است سرخنی از عضو فراری این گروه به‌دست بیاورد و او را نیز بازداشت کند.



روز پنجشنبه ۱۴ مرداد ۱۳۸۹ بود که همه برای کنکو آماده می‌شدن. من هم مثل همه تصمیم گرفتم که در کلاس کنکور ثبت نام کنم. به تنها چیزی که فکر می‌کردم قبولی در رشته دندانپزشکی بود.

آمادگی برای کنکور ۹۰:

امروز ۲۸ اسفند ماه، هنوز نتوانستم درسامو تموم کنم و حتی به ۲۰ درصد برنامه‌م عمل نکرده‌ام. پر از استرس‌ام هر روز که می‌گذره فشار دروس نخوانده و تنگی وقت رو بیشتر احساس می‌کنم. چطور می‌تونم زمان رو مدیریت کنم تا هم به کلاس‌هام برسم و هم به درسام. چطور می‌خوام با روزی ۹ ساعت کلاس داشتن به همون اندازه زمان واسه مطالعه داشته باشم؟ چرا هر چه یاد می‌گیرم زود از خاطرم فرواش میشه؟ این‌ها سؤال‌هایی بود که هیچ‌وقت رهایم نمی‌کرد. شرایطم سخت بود. اما ناچار همین وضع رو تا کنکور بااستی ادامه می‌دادم. دریغ از اینکه بدونم ایا روش مطالعه ام درسته؟ آیا می‌تونم اونچه رو که یاد می‌گیرم تو تست‌ها ازشون استفاده کنم یا نه؟ بالاخره کنکور ۹۰ میرسه و من با استرس زیاد و تجربه کم و تقریباً بدون آمادگی در کنکور شرکت کردم. نتایج اعلام شد و رتبه ۱۳۰ هزار شدم. انگاری که حرف‌های دوستام و هم‌کلاسی‌هام درست بود من با معدل ۲۲/۱۱ نمی‌تونستم هیچوقت به هدفم برسم. انگار خیلی برای هدفم کوچیک بودم. خانواده‌ام با دیدن شرایطم وضیمت رو با چندین مشاور در میان گذاشتن، حتی خودم برای بهتر شدن اوضاع با چند مشاور صحبت کردم. اما هیچکدوم از اونا نتونستن وضیمت رو تغییر بدن. حرف همشون این بود که: «خوب می‌تونی به رشته دیگه هم فکر کنی. همه رشته‌ها میلان می‌خورن اما هیچکدوم نمی‌تونستن که من رو هدفم پافشاری می‌کنم. در جواشونی می‌گفتم ۱۲ سال در شرایطی که اکثر دوستام به دانشگاه رفتن و من حتی نهایت لبخندی جهت تمسخر می‌زدن و ختم جلسه. در تمام طول مرمم هیچوقت شرایطی به دشواری اون زمان نداشتم. در شرایطی که اکثر دوستام به دانشگاه رفتن و من حتی مجاز به انتخاب رشته هم نندم. رتبه ۱۳۰ هزار منطقه ۲، نهایت فاجعه بود. رتبه‌بای بود که من حتی با فکر کردن به آن شرم می‌کردم.

آشنایی با استاد:

گفتم برای آخرین بار در کنکور شرکت کنم اما نتونستم وضیمت روخیام رو تغییر بدم. این وضیمت تا اواخر سال ۹۰ یعنی تا حدودی ماه ادامه داشت، تا اینکه در یکی از مجلات مقاله‌ای از یک استاد بزرگ خوندم. کاری که استاد می‌کرد برای غیرقابل باور بود. مگر میشه با تکنیک خاصی استرس، ترس و نگرانی‌هامو رها کنم؟! بله می‌شد، مقاله از تکنیک برنامه‌ریزی استاد صحبت می‌کرد. من با خواندن آن مقاله سعی در بیشتر بدنام و تحقیق کردم. پس از این‌که

رخداد

برخورد زنجیره‌ای ۱۵ خودرو در بزرگراه کرج- قزوین

● ۲۵نفر بر اثر برخورد زنجیره‌ای ۱۵خودرو در بزرگراه کرج- قزوین دچار حادثه شدند. حسین درخشان، سخنگوی سازمان امداد و نجات هلال احمر، در این‌باره گفت: ساعت ۵:۳۰ صبح دیروز ۱۵خودرو سواری، کامیون و تریلی با یکدیگر برخورد کردند و ۲۵نفر از سرشنیشان این خودروها دچار حادثه شدند. به‌گفته درخشان این افراد دچار مشکل جدی نشدند و به‌صورت سریایی مداوا شدند.

سرفت‌های میلیونی در ترمینال

● باشگاه‌خبرنگاران: سارقی که از مسافران پایانه جنوب تهران حین ورود به نمازخانه سرقت می‌کرد، در آخرین دزدی توسط ماموران دستگیر شد. سرگرد «خلیل لطفی»، ریس کلانتری پایانه جنوب در این‌باره گفت: در بی چند فقره سرقت اموال مسافران در پایانه جنوب تهران، تیمی ویژه متشکل از ماموران تشکیل و گشت‌های محسوس و نامحسوس در سطح پایانه جنوب تهران فعال شد. وی افزود: عملیات تعقیب و مراقبت ادامه یافت تا اینکه ماموران هنگام گشت‌زنی در محدوده نمازخانه مشاهده کردند مردی حدوداً ۴۵ساله درحالی‌که کت خود را روی دستانش گذاشته باعجله بین نمازگزاران در حال ورود به نمازخانه است. سرگرد لطفی با بیان اینکه ماموران به این فرد مظنون شدند و او را زیر نظر گرفتند، افزود: کارآگاهان مشاهده کردند فرد مظنون درحال ورود در نمازخانه از شلغوفی محل استفاده کرد. دستش را در جیب یکی از نمازگزاران فروبرید و یک نایلون مشکی از جیب این مسافر به‌صورت ماهرانه درآورد. لطفی اضافه کرد: متهم به این سرقت بسنده نکرد بلکه در همان حال دوباره دست در جیب یکی دیگر از مسافران برد و اقدام به سرقت از مسافر دیگری کرد که در این هنگام ماموران وارد عمل شدند. متهم به محض مشاهده ماموران کت خود را روی زمین انداخت و متواری شد. این مقام انتظامی اظهار کرد: با فرار متهم، عملیات تعقیب‌وگریز پلیسی آغاز و سارقی پس از طی مسافتی کوتاه دستگیر شد و در بازرسی از او مبلغ دویملیون و ۱۰۰هزارتومان را داخل جیب وی به دست آمد. سرگرد لطفی افزود: متهم پس از تشکیل پرونده و انجام تحقیقات مقدماتی، برای سیر مراحل قانونی، کشف سایر جرایم و شناسایی مالباختگان در اختیار کارآگاهان ایگاه هفتم پلیس آگاهی تهران بزرگ قرار گرفت.